

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۱۲ می ۲۰۱۳

فرمانبرداران ارتجاع و سرمایه

در صدد بدنامی رهبران جنبش مقاومت ملی افغانستان!

۱۷



راسیزم، هزاره ایسم و چنگیزیسیم، قاسم مشترک بین «محقق»، «کشتمند»، «صادق» و «حسین»

مقدمه:

"چگونه فولاد آبدیده شد" یک رومان سوسیالیستی، نوشته "نیکلای آستروفسکی" است که در سال ۱۹۳۶ چاپ شد. این رومان در ۵۰۰ صفحه نوشته ای اتوبیوگرافی وار از زندگی خود نویسنده است که چون شخصیت اصلی داستان، "پاوکا کورچاگین"، پدرش را از دست داده بود و مادرش به عنوان آشپز در آشپزخانه ای مشغول به کار بود. "نیکلای آستروفسکی" حین خدمت به ارتش سرخ در دوران جنگهای داخلی، چشم راستش را از دست داد. آستروفسکی در سال ۱۹۳۶، در سن ۳۲ سالگی، بر اثر تیفوس درگذشت.

جنگهای داخلی روسیه به درگیری هائی اطلاق می شود که از سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۲ میان ارتش سرخ و ارتش سفید روی داد و نتیجه آن برپائی اتحاد جماهیر شوروی بود.

خلاصه بخش اول رمان:

پسری یتیم به نام "پاوکا کورچاگین" در ۱۲ سالگی از مکتب اخراج می شود و مادرش او را برای کار به یک آشپزخانه معرفی میکند. پاوکا پس از ۲ سال کار در آشپزخانه، اخراج می شود و برادرش او را برای کارگری به نیروگاه برق می برد. در همین زمان تزار سرنگون می شود. پاوکا در ارتباط با دختر جنگلبان، "تونیا" احساس بد و عناد نسبت به قشر مرفه را از دست می دهد و دختر نوجوان نیز سخت دلباخته پاوکا می شود. چندی بعد، پاوکا به خاطر نجات جان یک بلشویک دستگیر می شود. از آنجائی که ۱۶ سال بیشتر ندارد، اعدامش نمی کنند و پس از مدتی به طور اشتباهی آزاد می شود. او به منزل "تونیا" پناه می برد و سپس به کمک برادر بزرگترش "آرتم" از شهر می گریزد. بعدها به مبارزات کارگری می پردازد و در جریان همین جنگها، چشم راستش را از دست می دهد. "تونیا" و "پاوکا" وقتی به تضاد طبقاتی و تفاوتهای زندگی شان پی می برند تصمیم می گیرند از هم جدا شوند و راهشان را از هم جدا کنند. پاوکا پس از مصدومیت، به منشی گری کارخانجات تعمیرات اساسی راه آهن تعیین می گردد. در نهایت در سال ۱۹۲۰ صلح با «پولندی» ها بسته شده و شهر، از آن "اوکراین" شوروی می شود. پاول به نزد مادرش باز می گردد و پس از اقامت دو هفته ای در خانه، به «کیف» برمیگردد تا کار کند...

"آهنی که از کوره بلند خارج می شود، چدن (چودن) نامیده می شود که دارای مقادیری کربن، گوگرد، فاسفر، سیلیسیم، منگنز و ناخالص های دیگر است. در تولید فولاد دو هدف دنبال می شود: سوزاندن ناخالصی های چدن (چودن) افزودن مقادیر معین از مواد آلیاژ دهنده به آهن"

چهار چیز است در دنیا دیده پاره

مرغ و مگس و پشک و صادق "تغاره"

«انجنیر» صادق ظفر هزاره ایست چنگیزیست در رول «سازمان کارگران افغانستان» (م.ل.م) با مشوره و کارگردانی داکتر غفور «ثنا» مشهور به پوک، موش پران و خرچنگ در دفاع از غفور «ثنا»ی وامانده و در سوراخ خزیده.

نا گفته نماند که «انجنیر» صادق ظفر مشهور به صادق چقر در رول های «سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م)»، «سوم عقرب» و..... از طریق ورای مجازی ظاهر می شود و تمام این «آرگاه و بارگاه» از اطاق خواب «صدر» صادق ظفر به راه انداخته شده است تا به زعم بیمارش مردم را گپ دهد و از خود سیاهی لشکر به نمایش بگذارد. مگر چون من می دانم که اولاً آن چنان نهاد هائی وجود ندارد و در ثانی اگر احیاناً هم وجود داشته باشد، غرض از ایجاد آنها تلاشی است از طرف «نهاد های استخباراتی» تا افراد خود را در زیرنام چنان نهاد هائی داخل جنبش نماید، به هیچ صورت آنها را «تحویل» نگرفته، «صدر» صادق و «صادقیزم» را از آماج حملات دور نمی دارم. با

آنهم هرگاه کدام انسان بیگناهی فریب این کلاشان را خورده و ناآگاهانه حلقه بردگی و جاسوسی نهاد های استخباراتی را زیر نام های پرطمطراق به گردن آویخته باشد، به صراحت اعلام می دارم که همچو افرادی در موقع آن باید از هر نفسی که با این وطن فروشان کشیده اند، حساب پس بدهند.

«صدر» پخپلو صادق ظفر از طریق یک عوعو نامه تحت اسم "درتقیح اعمال جاسوسی لمپنی وفحاشی اپورتونیزم و تسلیم طلبی سرانجام به خیانت ملی و طبقاتی منجر میشود؛ بیانیه سیاسی یکی از هواداران جنبش دموکراتیک نوین افغانستان (شعله جاوید)"، در «دفاع» از یک تن خلقی دو آتشته و گرگ بی دندان داکتر غفور «ثنا» انجو اکانومیسیت و جاسوس استخبارات هالند، بالایم پارس و قوله کشید که چرا دندان های گرگ پیر را کشیدیم و بالاخره در کمال حقارت، سرخمی، ناتوانی در آستان «میرویس» سر تعظیم فرود نهاد و با کشیدن خط بینی و ... خوردن نادم و پشیمان تسلیم شد که عنقریب به جوابش خواهم پرداخت.

در مقدمه بالا در باره « فولاد چگونه آبدیده می شود» مختصراً نوشتم و حالا نمی دانم که غفور «ثنا» چطور و چگونه آبدیده شده است و در کدام کوره های مبارزاتی و جنگ انقلابی گذاخته، فروخته و پخته شده است که هیچ شاهدی نیست که بر حقانیت مبارزاتی اش گواهی بدهد. شاید منظور هزاره ایست های چنگیزبست از آبدیده شدن آبستن بودن غفور «ثنا» باشد که در این عصر تکنالوژی از نا ممکنات نیست!! در اینجا قدرت یک انقلابی محسوس می گردد که چگونه توانسته است یک موشکی را که چهل سال قروت دزدی کرده است و در دزدی تجربه آموخته بود به تله بیافگند که حتا در این روز ها صدائی وز وزش هم شنیده نمی شود و موشهای زرد (جاغوری) از تبار خط گذار و «صدر» اپورتونیزم تسلیم طلب به مددش شتافته اند.

جاسوسان (خاد) که حالا در بالشت های حریر و پر قو در بالین «سیا» سر نهاده اند و در خواب ناز می باشند با طلوع خورشید و بانگ خروس با ناز و نخره بیدار می شوند و به مجرد برخاستن از خواب منحیث وظیفه، وظایف محوله ای را که به دوش شان سپرده شده است با وارخطائی اجراء می کنند تا مورد قهر و غضب بادر سرمایه قرار نگیرند. یکی از وظایف عمده این جاسوسان زنارزاده و حرامزاده بد نامی رهبران جنبش شعله ئی و جنبش انقلابی و منسوبین هر دو جنبش می باشد. اینها در خواب و خیال هم تصور نمی کردند که روزی جل و پستک شان توسط میرویس از آب کشیده شده و مجسمه تقدیس و پرستش شان شکسته می شود.

این ها به خوبی آگاهند و می بینند که از طریق «فیس بک» با هزاران نفر بالاخص جوانان در سراسر افغانستان رابطه نزدیک قائم کرده ام و هم مصروف مبارزه به ضد جانیان و وطنفروشان خلقی، پرچمی و خادی، جهادی، طالبی و حکومت و دولت پوشالی کابل می باشم. مبارزات و افشاءگری هایم خرمن «حزب وحدت»، «شورای نظار» و.... را سوختانده است و صد ها انسان وطنپرست افغان را اعم از زن و مرد و پیر و برنا شیفته و گرویده مبارزات و اخلاق انقلابی ام گردانیده است. اسم میرویس ودان محمودی در کران تا کران سرزمین قهرمان قهرمانان یک اسم شناخته شده می باشد. بناء این سگان وامانده و رانده شده از قافله به خاطری در پا ها و پاچه هایم چسپیده و (چنگو) اند، به خاطری که می دانند که میرویس توانسته است در قلوب خلق های کشور جاباز کند و مورد پشتیبانی عده کثیری از هموطنانش قرار گیرد. این سگان متعفن می دانند که میرویس از مزایای فیس بک استفاده های مفید کرده و فیس بک را به یک سنگر مبارزاتی تبدیل نموده است، کاری را که هیچ کس در تاریخ فیس بک قادر بدان نشده بود. در صفحه فیس بکم تمامی وطنپرستان و انقلابیون سراسر جهان تبادل افکار نموده و در روشننگری اذهان مشغولند و این خود نشانگر یک حرکت انقلابی است که توسط میرویس به راه انداخته شده

است. داکتر غفور ثنا «فولاد آبدیده» تا حال بلد نیست که چگونه کار های کمپیوتری «پیام آزادی» را پیش ببرد و بدون کمک پسرش یک کور خانه نشینی بیش نیست.

هزاره ایست های چنگیزیست از آدرس کمپیوتری «سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م)» که مردم و انقلابیون افغانستان از اسم چنین «سازمان» به کلی بی خبرند؛ این عوامل ارتجاع و امپریالیسم و جاسوسان «آی. اس. آی- ام آی ۶ و «سیا» که هنوز هم چنگیز را پیشوای بزرگ شان می پندارند ، با ضد و نقیضه گوئی ثابت می سازند که ریگی در کفش دارند و به خاطر پوشانیدن سوابق ننگین شان شدیداً به تقلاء افتیده اند. حالا به عو عو این سگان تر شده نگاه کنید که در دفاع از رهبر خلقی شان داکتر غفور ثنا مشهور به «فولاد» چه گلی را به آب داده اند؟!!

"جاسوس پلید امپریالیسم، مهره ی حقیر رویزیونیست های "سه جهانی"، تفاله ی مردار استمرار خاینان به خون شهیدمجدید، کارگزاری آرم کوانتل پرو، دلقک نگون مایه، میرویس ودان"محمودی" که چونان "سمندر" سرگشته ی کویر رویزیونیسم و"

شما درماندگی کامل هزاره ایست های چنگیزیست و یاری ایست را می بینید که چگونه مشیت های آهنین میرویس بر جمجمه های شان اینها را به هزیان گوئی و جفنگسرائی واداشته است ؛ وجدانهای پاکی که این قلم را در طول سالیان دراز می شناسند بر بی ناموسی ها و حماقت های این حرامزادگان و زنازادگان خندیده و برای شان لعنت و نفرین نثار می کنند. این سگان زرد و فواحش سیاسی مرا جاسوس امپریالیسم، رویزیونیست سه جهانی، ادامه دهندگان و سنتریست و.... مخاطب قرار می دهند و اما این سگ صفت های بی عقل این را فکر نکرده اند که چطور یک زحمتکشی که روزانه ۱۴ ساعت و هفته ای هفت روز عرق می ریزاند و به خاطر معیشت تلاش میوزد؛ چگونه می تواند برای چهار مرجع جاسوسی، فکری و سیاسی جاسوسی کند؟! ههههههههههههههههه عجب سگان (لیونی) و (کوچوک) های بی عقل!!

بیائید باز هم قوله کشی و لاف و پف خنده آور این ماچه سگان دم بریده را بخوانید و لحظاتی بخندید:

" به قول شاعری گرانمایه،"میخ آخربه کفن پوش خویش راپتک نمود"وهمانگونه که قبلادر یافته و فراگفته بودیم،اینک: براونمرده، به فتوای وجدان های مدافع انقلاب، باید نماز جنازه کرد!!!!"

تا دیروز اتوریته های قهر آمیز را برای نابودی ام در سرلوحه کار شان قرار داده بودند و حالا از قول «شاعری» از صحراء های سرد و خشک «منچوریا» علامه کلبی تیموجن؛ میخ آخرین را به دستان خود در کفم پتک کرده ام و اما هنوز زنده هستم و نفس می کشم، بدان دلیل هزاره ایست های چنگیزیست در زندگی نماز جنازه ام را می خوانند!! ههههههههههههههههه سگ گری هم مرزی دارد!!

این بی ناموسان بی همت و فاقد غیرت و عاری از شخصیت، از اتوریته انقلابی سخن زدند و برای داکتر مردنی آب حیات بخشیدند که مرا می کشند و حالا مرا با این سادگی رها کرده (پسکی) زده و در زیر سایه درخت بی غیرتی چهار زانو نشستند؟! این کار تان روی های رحیم غلام بچه، سبزه مشهور و رئیس بانک پر آوازه را سفید کردید. من گفته ام و قول داده ام که آخرین میخ تابوت تان در دستم می باشد و تا که نفس در قفس سینه می تپد شما سگان منافع ارتجاع و امپریالیسم را افشاء و رسوا می سازم. تا که از عملکرد های ننگین تان دست نکشید و در پیشگاه خلق از بی ناموسیهای تان عذر نخواهید و تا زمانی که دوکان سیاسی تان را که با استفاده و دزدی از نام و اعتبار مبارزاتی جنبش دمکراتیک نوین (شعله جاوید) و جنبش انقلابی خاینانه باز کرده اید نبندید از دستم روز خوش نداشته و آب خوش از گلو های تان فرو نخواهد رفت، ای مکاران و فواحش سیاسی و سگان منافع ارتجاع و

امپریالیسم! اگر روباه گونه دنبال تفاله و پسمانده سرگردان باشید شیر در تعقیب تان خواهد بود و اگر همچو کرگس پرواز کنید شاهین بلند پرواز پاراپامیزاد را بالای سر تان خواهید دید. مرد ها را قول است نادان پسوند و پیشوند اسمائی اجدادی و تاریخی تان بود که به ارث گرفته اید. نادان اگر از طرف راست و چپ خوانده شود باز هم نادان است. ششصد سال قبل با نادانی بربر منشانه از قله ها و صحراء های سرد و خشک در قلمرو خورشید تابان وحشیانه تاختید، کشتید، سوختید و منهدم ساختید. بلخ، بامیان، بگرام، غورات، هریوا و اصفهان هنوز هم نشانه های وحشت و بربریت تان را به یادگار دارد، تاریخ از قساوت و بی رحمی تان گریسته است و هنوز هم اشک میریزد. در زمان حکمرانی عبدالرحمان از کشته ها پشته ها ساختید و غازیان میوند را به خاک و خون کشانیدید. در ۱۹۹۲-۱۹۹۶ کابلستان را به تلی از خاک مبدل و ۷۵,۰۰۰ انسان بیدفاع و معصوم کابلی را در رقابت افسار گسیخته با «افغانستانی» های دیگر، زیر انبار های خاک خونین دفن کردید. حالا پالان های تان را را به دور افکنده اید با پوشیدن دریشی و نکثائی در رکاب ۴۷ کشور امپریالیستی بوسه زده و مشغول غارت ثروت های ملی کشور می باشید و هم منحنیث سگان و نمایندگان منافع ایران و پاکستان، ادارات دولت و حکومت پوشالی را با تعفن تان متعفن تر ساخته اید و برای تجزیه کشور در کمال دیده درائی تاریخی مشغول می باشید. در مقابل پول و ثروت، شهرت و قدرت از ناموس های تان گذشته و به فرمانبرداران و خادمان ارتجاع و سرمایه تبدیل شده اید.

در خارج بالاخص در هالند به مثابه انجونیست های جاسوس به بدنمای جنبش دمکراتیک نوین (شعله جاوید) و جنبش انقلابی پرداخته اید و تمامی افتخارات «شعله جاوید» و جنبش انقلابی را از آن خود کرده و دزدیده اید تا توجه امپریالیستها را به خویش معطوف دارید که چنان هم شد. حالا تحت رهبری امپریالیسم با دوکتورین جدید امپریالیسم امریکا «بهار مائوئیسم» را می خواهید در افغانستان و سراسر جهان نوید دهید و «مائوئیسم» را بهار زمانه سازید؛ زهی چشمدریدگی. پس زاد و ولد تان با کلمه ای دیده در و وطنفروش آغاز گشته و ناف تان با کلمه خاین به وطن گره خورده است و در کمال دیده درائی تاریخی خواهید مرد، طوریکه حتا خط گذار تان در کمال عجز و گردن سائی و فقر تئوریک با زندگی وداع گفت.

حالا بین من و شما، در جنبش شعله ئی و جنبش انقلابی، چند تا یاری ایست های جاغوری و دیگر اطراف و اکناف جاغوری و هزاره جات حضور فزیک داشتند؟

از بیشتر از پنجاه هزار جانباختگان شعله ئی و جنبش انقلابی چند نفر شان از دیاران شما و «صدر» یاری بود؟ اسم بیشتر از بیست نفر را بنویس تا مردم از واقعیت با خبر شوند!

حالا آن خرچنگ پیر و اما آبستن در کجا و کدام سوراخ پنهان است تا از حیثیت «فولادینش» دفاع کند و چرا شما بیسوادان نادان و در لجن فرو رفته را به مثابه سگان پاچه گیریش مورد استفاده قرار داده است؟

شما شاگردان کورس اکابر همان چند تا لغت را که از دیکشنری «اتحادیه نویسندگان حزب دمکراتیک خلق» فراگرفته و آموخته اید متواتر مورد استفاده قرار می دهید تا سگان با وفا و با پاسی باشید. اقیانوس بی قرار علم خیلی وسیع، عمیق و گسترده و پهناور است، شما توله سگان هنوز در کنار ساحل راه می روید و هنوز قطره ای برنداشته اید و اما ادعائی تان بزرگتر از عظمت دریاست!! بروید گم شوید و چنگ به مطالعه بزنید و این را هم بدانید که سیاست کردن کار رئیس بانک ها و سبزه ها نیست!!

اگر «رفیق پولاد» غفور ثنای خرچنگ آبدیده شده نه آبستن پس حالا در کارخانه تشریف دارند و در تولید حصه گرفته اند و عرق می ریزند و یا در زایشگاه در تخت نرم و گرم لم داده اند؟

«موضع گیری های اصولی و اراده ای پرولتری» رفیق خرچنگ غفور «ثنا» و دیگر رفقای خلقی، خادی و پرچمی اش را از سالهای ۱۹۷۷-۱۹۷۹ و از ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰ با چشم سر دیدیم که باعث آوردن روسها و موجب ویرانی کشور، کشته شدن بیشتر از دو میلیون انسان بیگناه و آواره شدن کتله های وسیعی از مردمان کشور در کشور های همسایه و سراسر گیتی گشت. مسبب اصلی فاجعه ها، درد ها و پرابلم های مردم و کشور تا هم اکنون همان «موضع گیری اصولی و اراده ای پرولتری» رفیق غفور «ثنا» و دیگر همقلاده های خلقی- خادی و پرچمی اش بوه و می باشد. کسی که چهل سال در کوره های ک ج ب افروخته و گداخته شده باشد و اگر «آبدیده» نشده باشد بل از تئوری رویزیونستی حتمی آبستن شده است و ما بعد از چهل سال حالا متوجه بالا شدن و بزرگ شدن شکم داکتر غفور «ثنا» شده ایم زیرا در این چهل سال از انظار پنهان شده بود. پس حالا شما سگان هار و بی آبرو که چتلی این سگ فرتوت و باردار را می لیسید و به دفاع از وی برخاسته اید چه چیز از این پارس کشی های بی محابا نصیب تان خواهد گشت به جز شرم، بی ناموسی و جابلوسی زبیلانه و حقیرانه !!!

یک گپ بین ما و شما باشد، داکتر غفور «ثنا» نه گذاخته و نه افروخته که آبدیده شود، فکر کنم که باد های رفته از فشار (غلطروش) و صدا و فریاد های گداختن و افروختن در معده اش شما را فریب داده است!! ههههههه

داکتر غفور «ثنا» با خوراندن(غلطروش) فکر کنم که هزاره ایست های چنگیزیست و خادیست را به جفنگ گوئی و هزیان پرانی و باد پرانی واداشته است. حالا نوشته زیر را بخوانید و معیار قضاوت قرار دهید :

www.afgazad.com

بیائید تا از ته دل همه با هم به خر گیری این خرزادگان مرکب خو بخندیم. ههههههههههه

در بالا با خطاب نمودن و برجسپ زدن جاسوس امپریالیسم، رویونیست سه جهانی، ادامه دهندگان و سنتریست بر شرافت و ناموس اجدادی شان در کمال لودگی و خریث شاشیدند و حالا با بر چسپ زدن همقاش لومپن ها- اخوانیها-خادی ها و جهادی بر من؛ ارواح نا مطهر رفتگان شانرا شاش باران نمودند!! جالبتر خود شان را که در رکاب روسها و خادیستها و اخوانیهای «حزب وحدت» و شیخ آصف محسنی بوسه می زدند «انقلابی» و مرا ضد انقلاب و نفرین شده ای انقلابیون جهان و افغانستان مخاطب قرار می دهند؟! ههههههههههه

بلی ! از ریشخندی گذشته ، شما یک حقیقت پویا را در مورد کشف کردید و بیان داشتید و با شما صد فیصد در این مورد موافقم زیرا من واقعاً مورد نفرین شما «انقلابیون»، رفقاء و رهبران تان همچو دستگیر پنجشیری- سلطان علی کشتمند- کریم میثاق- شرعی -جوزجانی-سلیمان لایق-اسماعیل دانش-اسماعیل کشتمند..... و صوف «حزب دمکراتیک خلق» و تمام رویونیستهای خروسچفی قرار دارم و می دانم که آنها به خون من تشنه اند و من به خون آنها! یعنی به زبان ساده بین ما یعنی مردم افغانستان کبیر و بشریت آزاده و شما جاسوسان سوسیال امپریالیسم و حالا امپریالیسم، دریائی از خون و سیل آتش قرار دارد و شما دشمنان بشریت و دشمنان طبقاتی ما هستید.

یک نکته مهم که باید یاد شود این است که شما فرزندان خروسچف-کاسیگین-برژنف و گرومیگو در سوراخها پنهان هستید و طبل «بهار مائویسم؟؟!!» را از اطاق های خواب تان به صدا در آورده اید و اما ما شعله ئی ها -منسوبین جنبش انقلابی و «م.ل.ا» های افغانستان نه تنها همچو شیران و عقابان در وجب وجب بیشه های شیران و لانه های عقابان، افغانستان کبیر قدم می زنیم بل در چهار کنج دنیا همچو اقیانوس خروشان متحد هستیم و متحد خواهیم شد و این است که از هیبت مان اپورتونیست ها و رویونیست ها همچو سگان متعفن میهراسند و سراسیمه شده اند.(اینه دور نمیریم، نزدیک) شما «مائویستهای» کون لچ و جاسوس ، از اتوریته انقلابی دم زدید بعداً دم تان را در (قات) پا های تان نهادید و چس چس باد خارج کردید و همچو سگ از روبه رو شدن با شیر آسمائی لرزیدید و ترسیدید!!

به عوعو نامه سگان (گرگ) زده ای «مائویست» و باغبانان بهار «مائویسم» نگاه کنید:

"هر افغان باوجدان، هرفردافغانستان ولوانکه درهرسطحی ازبرداشت و تایید از دموکراسی قرار داشته باشد، هرافغان وطن پرست که شرافت مادر-وطن واستقلال کشور را وقع نهد، بر این مزدور کثیف نفرین بیکرانه نثارخواهد کرد!"

حالا پرسش ما از توله سگان «مائویست»، هزاره ایست، چنگیزیست، سگ ایست، خر ایست، پشک ایست ، کشتمندیست، خادیست، صادقیست، جاسوسان امپریالیسم شوروی و غرب وحشی-استخبارات ایران و پاکستان و «ام آی ۶» انگریز و... این است که اگر رئیسبان بانک و سبزه های روزگار نیستید و اولاد های اصلی شوهران مادران تان می باشید بیائید که خود را در یک همه پرسی عمومی از طریق تلویزیون قرار بدهیم و ببینیم که مردم که را نفرین می کنند و که را قبول دارند؟

اگر دلال و وسیله نبودید بیائید در پیشگاه خلق در ترازوی قضاوت وزن شوم. اینقدر می دانم و مطمئنم که اگر «شهید یاری» هم در قید حیات به سر می برد و شما هزاره ایست های چنگیزیست به شمول «فولاد آبدیده» بخشید منظورم آبستن بود در عقب و پهلوی شان می استاید و در انتخاباتی شرکت میورزیدیم ، من به تنهایی ۹۹.۰۹ در صد رأی مردم را اخذ می کردم، چرا در چهل سال «مبارزه»تان، شما سگان کثیف و مردار تنها شعار داده اید و بر شمشیر خونچکان استعمار شرق و غرب بوسه زده اید و دستان تان تا به آرنخ در خون مردم و انقلابیون رنگین می

باشد، بناءً بدان لحاظ عملکرد های تان تقرب می کند به صفر و اما در مقابل و عکس شما سگان ، میرویس در قلب هزاران هموطنش لانه و خانه کرده است و این یک حقیقت انکار ناپذیر است.

اگر شما از نشان دادن رو های نجس تان در تلویزیون می هراسید که افشاء و رسوا نشوید، ببانید در فیس بکم که بیشتر از ۷۰۰ عضو دائمی دارد و در سرتا سر کشور معروف است با هم تبادل افکار کنیم و رأی مردم را تقاضا کنیم، دا گز او دا میدان!

لاف و پف «مائویستهای» سگ صفت و جاسوس و زنازاده و حرامزاده را ببینید خود متوجه می شوید که چگونه پشت داکتر «غفور ثنا» را می لیسند و استفراغ سگ را نشخوار می کنند و از یک محیل، جبون، مرتجع، شهرت پسند و اپورتونیست به دفاع برخاسته اند و وی را ارج نهاده و تمجید می کنند و بر پا های این سوگلی گک امپریالیسم بوسه های آتشین می زنند:

"رفیق پولاد، فرزندان راستین خلقهای ستمدیده و انقلابی کشور بوده، واستواری ایشان در برابر مرتدان رنگارنگ و اینک استقامت ایدئولوژیک و موضع گیری اصولی شان در برابر دلقکاتی نظیر میرویس نادان نامحمود، نشاندهنده ی آنست که این رفیق عزیز، مصداق لفظ پولاد در عرصه ی مبارزه ی عملی بوده، و فرزند راستین مبارزه است. ماوی رامیستاییم زیرا که با موضع گیری های استوار خویش در برابر مرتدان به اثبات رسانید که رهرو پرافتخار راه ی صدراکرم یاری بوده، و ستاره ی سرخی است در آسمان انقلاب پرولتری کشور!"

او سگان «مائویست» جاسوس و بی پدران خطا!

آیا مردم افغانستان واقعاً سگ پیری را بنام «رفیق پولاد» می شناسند که وی را لقب فرزند راستین خلقهای ستمدیده و انقلابی کشور لقب دهند؟

او سگ زادگان سگ صفت چرا اینقدر لولو و خر تشریف دارید و دروغ می گوئید؟

از کدام استواری و استقامت ایدئولوژیک و موضع گیری اصولی خرنجنگ داکتر غفور «ثنا» پارس می کشید؟

نوشته هایم را در «پیام آزادی» بخوانید و ببینید که وی دنباله رو میرویس بود و چیزی که میرویس می نوشت مورد تأیید وی بود. پس وی هیچ گاهی استواری و استقامت ایدئولوژیک و موضع گیری اصولی نداشته و دنباله روی بیشی نبوده و نیست. این من بودم دارای استواری و استقامت ایدئولوژیک و موضع گیری اصولی و حالا از همان مواضع اصولی و انقلابی ام دفاع می کنم که همه شما سگان و امانده را به عوعو و قولة کشی و تپ و تلاش انداخته ام. هر قدر تهمت و بهتان می زنید به همان اندازه مرا در قلوب مردم و انقلابیون جا می دهید و لازم است که حتا از سگانی همچو شما در اینباره اظهار تشکری کنم.

غفور «ثنا» شهید یاری را عامل دربار و اپورتونیست می خواند و حالا از آن مرده ای که هیچ ارمنان انقلابی به ارث نگذاشته است ، پیروی می کند. قدم زدن در تاریکی سقوط کردن به فرق در قعر چاه است.

زمانی پیرو «رفقاء» تره کی-امین-ببرک و حالا رفیق و پیرو دیالکتیک خط گذار!!!

عنقریب یک سلسله عکسها و اسناد را در معرض دید قرار خواهم داد و دیده شود که فولاد آبدیده است و یا آبیستن....؟! ههههههههه

در اخیر این شعار ها را بخوانید:

زنده باد رفیق پولاد و اصولیت انقلابی پرولتری وی!

مرگ به مرتدانی که بوزینه صفت، در توهم اینهمانی با انسان خویشتن را می فریبند!

